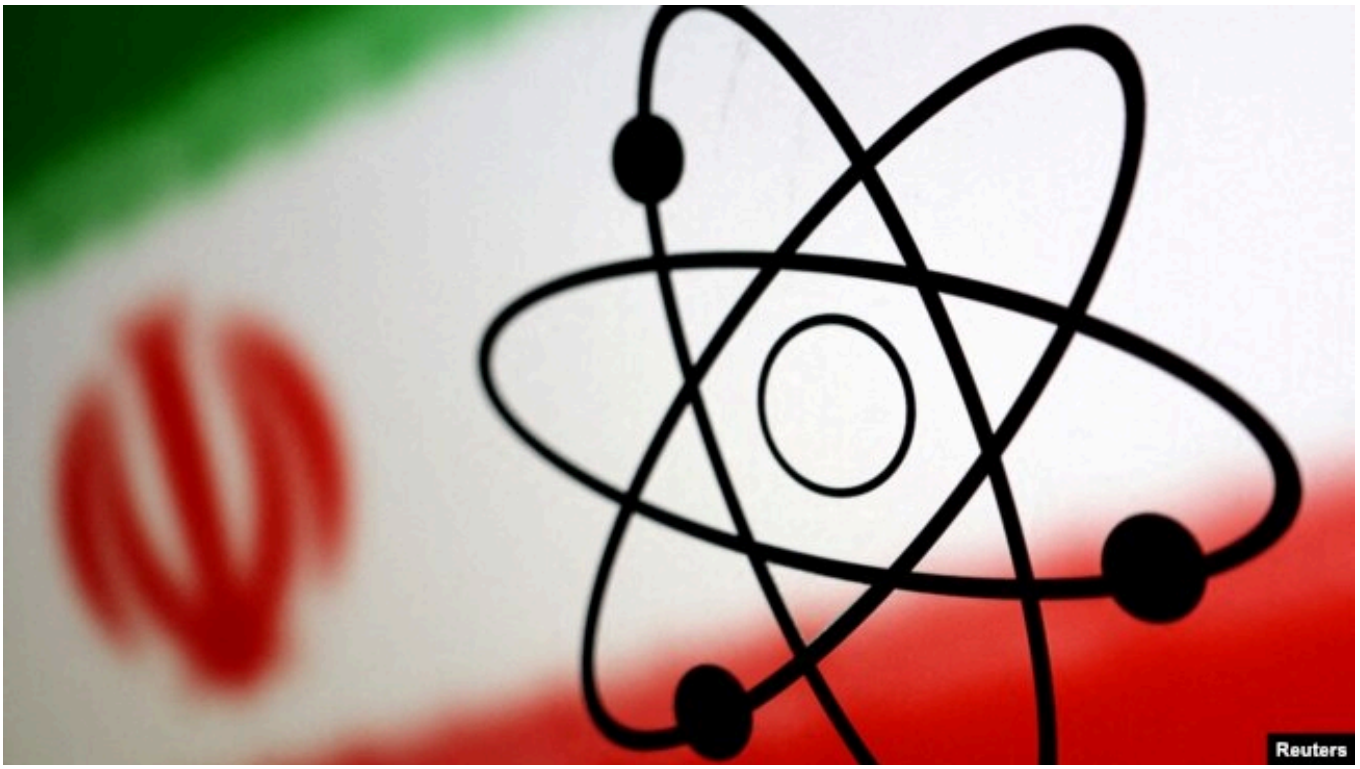
View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ جمهوری اسلامی و وسوسه بمب اتم، راه نجات یا خطای راهبردی؟

محمد ضرغامی

۱۵/آبان/۱۴۰۵



بحث بازنگری در دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی، که از اردیبهشت ۱۴۰۳ با اظهارات کمال خرازی، رئیس وقت شورای راهبردی روابط خارجی، علنی‌تر شد، بار دیگر در محافل سیاسی ایران مطرح شده است.

محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، امام جمعهٔ موقت تهران، هشتم آبان در خطبه‌های نماز جمعه بار دیگر خواستار بازنگری در دکترین هسته‌ای شد. او همچنین از واکنش‌های تند به اظهارات پیشین خود سخن گفت و از کارشناسان خواست پیشنهادهای مشخصی در این زمینه به رهبر جدید جمهوری اسلامی ارائه کنند. حاج‌علی‌اکبری در عین حال تأکید کرد که تصمیم نهایی با رهبر است.

این اظهارات پس از کشته شدن علی خامنه‌ای در جنگ ۴۰روزه و انتخاب فرزندش به رهبری جمهوری اسلامی مطرح شده است. از مجتبی خامنه‌ای در طول این زمان تنها پیام‌هایی مکتوب و منسوب به او منتشر شده و موضع او دربارهٔ احتمال تغییر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز روشن نیست.

آیا اظهارات امام جمعهٔ موقت تهران نشانهٔ افزایش فشار برای تغییر دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی است یا صرفاً تلاشی برای مطرح کردن دوبارهٔ این موضوع در چارچوب سیاست رسمی حکومت؟ این پرسش در شرایطی مطرح است که اختلاف تهران و واشینگتن بر سر غنی‌سازی، ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی و بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده همچنان ادامه دارد.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، مهران مصطفوی، استاد فیزیک هسته‌ای و معاون پژوهشی دانشگاه پاریس، و مسعود منیری، دانش‌آموختهٔ مهندسی هسته‌ای و مدیر برنامه‌های نیروگاه هسته‌ای در شرکت فرام‌اتم کانادا، به بررسی ابعاد فنی و سیاسی این موضوع پرداخته‌اند.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

موانع فنی و سیاسی ساخت بمب

مسعود منیری با اشاره به مطرح شدن دوبارهٔ بحث تغییر دکترین هسته‌ای پس از دو جنگ اخیر و آسیب‌دیدن تأسیسات هسته‌ای ایران می‌گوید بعید می‌داند جمهوری اسلامی در شرایط کنونی تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای بگیرد.

به اعتقاد او، چنین تصمیمی تنها به تغییر موضع سیاسی نیاز ندارد، بلکه مستلزم برخورداری از توانایی‌های فنی، دستیابی به اجماع در داخل حاکمیت و پذیرش هزینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن است.

آقای منیری در توضیح موانع فنی ساخت سلاح هسته‌ای می‌گوید پس از حمله به تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان، وضعیت دسترسی ایران به مواد هسته‌ای خود روشن نیست. حتی اگر این مواد دوباره در دسترس قرار گیرند، رساندن غنای اورانیوم به ۹۰ درصد، تولید فلز اورانیوم و طی کردن مراحل بعدی به تأسیسات و امکانات ویژه‌ای نیاز دارد. ساخت بمبی که قابلیت انفجار داشته باشد و بتوان آن را روی کلاهک موشک نصب کرد نیز مستلزم تجهیزات دقیق و فناوری پیشرفته است.

او با اشاره به پروژهٔ آماد، که به گفتهٔ او برای توسعهٔ ابعاد نظامی برنامهٔ هسته‌ای ایران طراحی شده بود و فعالیت‌های مرتبط با آن پس از سال ۲۰۰۳ متوقف شد، معتقد است جمهوری اسلامی در شرایط کنونی توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را ندارد.

آقای منیری همچنین به ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا اشاره می‌کند که بر اساس آن‌ها، فعالیت‌های سازمان‌یافتهٔ ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای پس از سال ۲۰۰۳ متوقف شده است. او نظارت اطلاعاتی گستردهٔ آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی را نیز مانعی جدی در برابر پیشبرد پنهانی چنین پروژه‌ای می‌داند.

با این حال، این کارشناس معتقد است بازنگری در دکترین هسته‌ای لزوماً به معنای تصمیم برای ساخت بمب نیست. به گفتهٔ او، ایران می‌تواند بدون حرکت به‌سوی ساخت سلاح هسته‌ای، بر توان موشکی خود و مشارکت در ترتیبات امنیت جمعی منطقه‌ای تکیه کند.

آقای منیری توان موشکی را یکی از عواملی می‌داند که در دو جنگ اخیر به ایران کمک کرده است. او معتقد است همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای نیز می‌تواند در ایجاد بازدارندگی نقش داشته باشد.

تردید در کارآمدی بمب برای جلوگیری از حمله

مهران مصطفوی از زاویه‌ای دیگر، ضرورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را زیر سؤال می‌برد.

او می‌گوید بخشی از نیروهای سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی تصور می‌کنند برخورداری از بمب اتمی می‌تواند مانع حملات اسرائیل شود، اما این تصور را «توهم» می‌داند.

به اعتقاد آقای مصطفوی، بازدارندگی هسته‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که موجودیت یک کشور در معرض تهدید باشد. در مقابل، حملات محدود، عملیات خرابکارانه، ترور دانشمندان و حملات سایبری، حتی اگر ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد، توجیهی برای استفاده از آن در پاسخ به این اقدامات نخواهند بود.

او علنی شدن بحث ساخت بمب در رسانه‌ها و محافل رسمی جمهوری اسلامی را نیز نشانهٔ نبود اجماع واقعی در حاکمیت می‌داند.

به گفتهٔ آقای مصطفوی، کشورهایی که تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای می‌گیرند، معمولاً پیش از دستیابی به چنین قابلیتی آن را علنی نمی‌کنند.

این کارشناس هشدار می‌دهد که طرح چنین مواضعی می‌تواند فرصت بیشتری در اختیار اسرائیل قرار دهد تا آنچه او سیاست جنگ‌طلبانهٔ این کشور می‌خواند، به‌ویژه در شرایط دشوار سیاسی و داخلی، دنبال کند.

مخالفت روسیه و چین با دستیابی ایران به بمب

مسعود منیری معتقد است جمهوری اسلامی برخلاف کرهٔ شمالی نمی‌تواند برای دستیابی به سلاح هسته‌ای روی حمایت روسیه و چین حساب کند.

به گفتهٔ او، روسیه مایل است نقش خود را در معادلات امنیتی منطقه حفظ کند و دستیابی ایران به بمب اتمی می‌تواند جایگاه مسکو را تضعیف کند.

او همچنین می‌گوید چین نگران بی‌ثباتی در منطقهٔ تنگه هرمز و گسترش رقابت تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه است.

مهران مصطفوی نیز معتقد است روسیه و چین با مسلح شدن ایران به سلاح هسته‌ای مخالف‌اند، زیرا چنین تحولی ممکن است کشورهایی مانند عربستان سعودی، ترکیه و مصر را نیز به تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای سوق دهد.

اختلاف بر سر خروج اورانیوم یا کاهش غنای آن

مسعود منیری ذخایر اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد را یکی از موانع اصلی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا می‌داند.

به گفتهٔ او، طرف آمریکایی خواستار دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این مواد و انتقال آن‌ها به خارج از ایران است. پیشنهاد احتمالی انتقال اورانیوم به روسیه نیز در همین چارچوب مطرح شده است.

با این حال، آقای منیری بعید می‌داند جمهوری اسلامی با چنین پیشنهادی موافقت کند، زیرا به گفتهٔ او، تهران نگران است روسیه این مواد را به ایران بازنگرداند.

مهران مصطفوی اما معتقد است مسئلهٔ کنونی فراتر از سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده است.

او با اشاره به اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دربارهٔ نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران می‌گوید اگر این تأسیسات نابود شده‌اند، ادامهٔ تلاش برای حل پروندهٔ هسته‌ای با همان چارچوب پیشین با نوعی تناقض روبه‌روست.

از نظر او، مسئلهٔ اصلی اکنون ابعاد ژئوپلیتیک و امنیتی بحران است؛ از حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز گرفته تا مناسبات منطقه‌ای و توانایی‌های نظامی ایران.

به همین دلیل، آقای مصطفوی بعید می‌داند امتیازدهی ایران دربارهٔ اورانیوم ۶۰ درصدی به‌تنهایی به پایان تنش‌ها منجر شود.

او این احتمال را مطرح می‌کند که جمهوری اسلامی به‌جای انتقال ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به خارج از کشور، غنای آن‌ها را به کمتر از سه درصد یا نزدیک به سطح طبیعی کاهش دهد، اما مواد را به شکل گازی در ایران نگه دارد تا امکان بازگشت به غنای بالاتر همچنان وجود داشته باشد.

به اعتقاد آقای مصطفوی، غنی‌سازی اورانیوم برای جمهوری اسلامی بیش از آنکه توجیه صنعتی و اقتصادی داشته باشد، به ابزاری برای چانه‌زنی سیاسی و دیپلماتیک با آمریکا و کشورهای اروپایی تبدیل شده است.

نگرانی‌های امنیتی و احتمال ازسرگیری جنگ

مسعود منیری در بخش دیگری از این گفت‌وگو بر اهمیت نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید می‌کند.

به گفتهٔ او، ممکن است دونالد ترامپ از نظر سیاسی پروندهٔ هسته‌ای ایران را پایان‌یافته بداند، اما وجود ذخایر اورانیوم غنی‌شده و دسترسی نداشتن بازرسان به آن‌ها، از دید کارشناسان و آژانس همچنان مسئله‌ای حل‌نشده است.

آقای منیری معتقد است آژانس می‌تواند در چارچوب توافقی تازه نقش مؤثری ایفا کند، اما پیش از آن باید نگرانی‌های امنیتی ایران، از جمله تضمین جلوگیری از حملات دوباره و چگونگی دسترسی بازرسان به تأسیسات آسیب‌دیده، مورد توجه قرار گیرد.

مهران مصطفوی نیز از احتمال تمایل اسرائیل به ادامهٔ جنگ و رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر دونالد ترامپ ابراز نگرانی می‌کند، هرچند تردید دارد که حملات نظامی تازه بتواند اهداف مورد نظر آن‌ها را محقق کند.

مسعود منیری هم هشدار می‌دهد که ادامهٔ بن‌بست دیپلماتیک ممکن است به درگیری نظامی دیگری منجر شود.

او تأکید می‌کند که حتی انتقال ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران به خارج از کشور نیز تضمینی برای جلوگیری از حملهٔ نظامی دوباره نیست.

به اعتقاد این کارشناس، راه خروج از وضعیت کنونی بازگشت به دیپلماسی و تلاش برای حل هم‌زمان اختلاف‌های هسته‌ای و نگرانی‌های امنیتی است.

این مطلب بخشی از:

سیاسی | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.